روزنامه خبری، تحلیلی، دانشگاهی صبح ایران
صدای نخبگان، نگاه جوانان

۱۶ صفحه
۵۰۰۰ تومان

فصل جدید رادیو مضمون:
روایت سال‌های جنگ

فرهیختگان

شماره مسلسل ۴۲۲۵
یکشنبه ۳۰ مهر ۱۴۰۲
۶ ربیع‌الثانی ۱۴۴۵
۱۷ اکتبر ۲۰۲۳
شماره ۳۹۸۷

www.Fdn.ir | Sun | 22 Oct 2023 | vol.15 | No. 3987 | 16 Pages

پرونده روز: ما از غزه چه می‌دانیم؟

خبرنگاران میدانی باید چگونه عمل کنند؟

خبرنگار بحران توریست نیست

۳۶۵ روز بعد از نمایش برلین، خیابان‌های اروپا با محوریت لندن صحنه دفاع از فلسطین و نه به اسرائیل شد

اروپا، یک سال بعد

۸، ۱۲، ۱۳

قرارداد بزرگ مدیریت شهری در پکن چه تاثیری بر ناوگان حمل‌ونقل تهران دارد

شهر زیرزمینی تهران دو برابر می‌شود؟

۷

در میزگرد تخصصی «فرهیختگان» بررسی شد

حبس شهرها عامل گرانی مسکن؟

۱۶، ۱۵، ۱۴

حزب کارگزاران با نقد رادیکال‌ها و چهره‌های تکراری به میدان آمد

دولت دوم روحانی در انتخابات

۲

ایده «مقاومت اجتماعی» اسلام‌گرا ولکنت علوم اجتماعی متاخر

یادداشت

رامین شمسایی‌نیا
دانش‌آموخته دکترای علوم ارتباطات دانشگاه علامه طباطبایی

۱) مفهوم و منطوق «مقاومت» در علوم انسانی رایج

مفهوم «مقاومت» و «مقاومت اجتماعی» ازجمله مفاهیم متداول در نظامات اندیشه و علوم انسانی متاخر هستند. اگر ایده مقاومت در برابر یک نیروی سلطه‌گر داخلی (استبداد) و خارجی (استعمار و امپریالیسم) را در جهان مطالعه کنیم، بی‌درنگ به نظریات تولید شده و رایج در علوم اجتماعی متعلق به دوران رنسانس (Renaissance) و عصر پساروشنگری (Age of Enlightenment) در میدان و محیط اروپا به‌عنوان محل تولید علوم انسانی مدرن برمی‌خوریم. عموما خاستگاه این نظریات برگرفته از خیزش‌های اجتماعی علیه سرمایه‌داری و رویکرد مذهبی کلیسا بوده‌اند. از میانه قرن ۱۹ تا انتهای قرن ۲۰ میلادی «مقاومت» کلیدواژه اصلی خیزش‌ها و دال مرکزی گفتمان حاکم بر جنبش‌های انتقادی-اعتراضی بوده که ریشه فکری خود را وامدار نگرش‌های چپ‌گرایانه کارل مارکس و اندیشمندان متاخر مانند آنتونیو گرامشی (AntonioGramsci) ایتالیایی و میشل فوکو (Michel Foucault) فرانسوی و... بوده است و با همین نوع نگرش پارادایم‌های غالب در علوم سیاسی، جامعه‌شناسی و مطالعات فرهنگی و ارتباطات را شکل داده بودند.

۲) نگرش انتقادی به الگوهای چپ‌گرایانه مقاومت

این اندیشه‌ها چند افتراق اساسی با مفهوم «مقاومت اجتماعی» مدنظر اندیشه انقلاب اسلامی دارند و به همین دلیل در بیان و تحلیل مقاومت اجتماعی اسلام‌گرا الکن هستند؛ مولود مدرنیته بودن، خصلت مشترک همه این رویکردهای نظری-اجتماعی و خرده‌فرهنگ‌های وابسته بود که سخن از مقاومت اجتماعی می‌راندند و می‌رانند. درواقع اندیشه‌های مدرن از سرمایه‌داری و امپریالیسمی انتقاد می‌کردند که خود در همان زیست جهان متولد و رشد کرده بودند. تفاوت اساسی دیگر رویکرد سکولاریستی، ضددینی و حتی ملحدانه بودن این اندیشه‌های مقاومت است. دغدغه اصلی این اندیشه و جنبش‌ها مبارزه علیه سرمایه‌داری، راست‌گرایی ملی، شکاف طبقاتی و اختلاف سطح رفاه و... است. حتی رویکردهای سوسیالیستی مقاومت معتقد به جایگزینی برابری به جای نابرابری هستند که کاملا در تضاد با اندیشه انقلاب اسلامی یعنی جایگزینی عدالت با بی‌عدالتی است.

۳) ایده مقاومت اجتماعی اسلام‌گرا؛ منبعث از اندیشه انقلاب اسلامی

هنر بزرگ طراح انقلاب اسلامی (امام خمینی(ره)) ارائه الگویی از کنش جمعی و مقاومت اجتماعی در برابر نیروی ستمگر داخلی و خارجی براساس اندیشه دینی بود. آن هم در دورانی که گروه‌های چپ‌گرای متاثر از اندیشه کمونیسم مانند سازمان مجاهدین خلق، چریک‌های فدایی خلق و... کاملا توانسته بودند مفهوم مقاومت را به نفع خود مصادره کنند. ایده تشکیل «بسیج مستضعفین» به‌عنوان یک «نیروی مقاومت اجتماعی» نسخه جایگزین و متعالی ارائه شده از سوی انقلاب اسلامی بود که توانست میلیون‌ها نفر را علیه نیروی ستمگر و متجاوز داخلی و خارجی سازماندهی کند. این ایده اگرچه به‌عنوان یک راهبرد عملیاتی در سیاست داخلی ایران توسط اسلام‌گرایان مبارز اتخاذ و اجرا شده بود، اما تاکنون به این سطح از انسجام و عمق نظری نرسیده بود.

۴) نشر و تعمیق در زیست جهان مستضعفان

ایده «نیروی مقاومت اجتماعی» انقلاب اسلامی به‌تدریج توانست خود را به یک راهبرد، سپس گفتمان و اکنون یک «نظریه مقاومت» در جهان اسلام تبدیل کند و به الگویی برای کنش جمعی حامی مستضعفان و علیه مستکبران تبدیل شود. نسل اول این مقاومت اجتماعی توسط گروه‌های مقاومت به‌صورت اعتراض و عملیات نظامی محدود خود را جلوه کرد، لکن نسل‌های نوین بیداری اسلامی توسط گروه مقاومت در منطقه غرب آسیا توانست با «عملیات منسجم نظامی» و «مشارکت سازنده در امر حکمرانی» مانند حشدالشعبی عراق، حزب‌الله لبنان، انصارالله یمن، حماس و جنبش جهاد اسلامی فلسطین، عجین شود.

۵) مطالعه موردی مقاومت اجتماعی در میان ملت فلسطین

این ایده مقاومت اجتماعی اسلام‌گرا در جهان معاصر توانسته مفهوم مقاومت غالب در علوم اجتماعی رایج را متحول کند، ایده مقاومت اسلام‌گرا ریشه قرآنی دارد؛ سوره مبارکه فصلت، آیه شریفه ۳۰: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُواْ رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُواْ تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلآئِكَةُ أَلَّا تَخَافُواْ وَلَا تَحْزَنُواْ وَأَبْشِرُواْ بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ» به یقین کسانی که گفتند: «پروردگار ما خداوند یگانه است» سپس استقامت کردند، فرشتگان بر آنان نازل می‌شوند که: «نترسید و غمگین نباشید، و بشارت باد بر شما به آن بهشتی که به شما وعده داده شده است» نمونه نهادینه و درونی شده آن ملت مقاوم فلسطین است؛ صدای مظلوم اما مستحکم آن پیرمرد اهل غزه که از تخریب خانه خود در بمباران رژیم صهیونیستی محزون است اما مجاهدانه می‌گوید «فدای فلسطین»، صدای یک اندیشه مقاومت است که در متن و بطن جامعه مسلمان فلسطینی ریشه دوانده و تعمیق می‌شود. اندیشه «مقاومت اجتماعی اسلامی» نظم دولت- ملت (nation-state) که مولود پیمان وستفالی (Westphalia) در سال ۱۶۴۸ است را درهم می‌شکند و مرزهای جغرافیایی را دارای صلاحیت برای انزوای مرزهای امت و عقیده نمی‌داند.

فاجعه فلسطین فاتحه انگاره‌های فانتزی را خواند

یادداشت

سیده‌آزاده امامی
خبرنگار

این روزها وقایع غزه عرصه رنگ باختن تمام انگاره‌های فانتزی پرزرق‌وبرق و اغواکننده‌ای است که سال‌هاست غرب آنها را به مثابه معیاری برای اندیشیدن و کنشگری در همه عالم علم کرده است. ادعاهای دهان‌پرکنی که خصوصا در آکادمی‌های علوم انسانی با آب‌وتاب از آنها سخن گفته‌اند و آنها را شاهدی بر چهره «متمدن» و «مترقی» غرب گرفته‌اند و چونان چماقی بر سر هر مکتب و تفکری زده‌اند که مسیری غیر از غربی شدن درپیش گرفته است.

ما علوم انسانی خوانده‌ها بیش از همه نظاره‌گر گردن‌کشی و فخرفروشی این مفاهیم بوده‌ایم و البته شاهد مفتون‌شدگی و مقهوریت برخی رفقا و اساتیدمان نسبت به آنها. چه ساعت‌ها و روزها که در خصوص مبادی و مبانی این مضامین و نیز ماهیت حقیقی آنها در ساحت انضمامی زندگی بشر با رفقای غرب‌دوست‌مان بحث کرده و از جانب آنها به چه چیزهایی که متهم نشده‌ایم. مفاهیمی نظیر «حقوق بشر»، «آزادی بیان و عقیده»، «تحمل مخالف»، «جریان آزاد اطلاعات» و مواردی از این دست. انگاره‌هایی که مادامی که در کلاس‌ها و محافل آکادمیک و مقالات علمی و ژورنالیستی از آنها سخن رفته افسونگری بسیار کرده و دل‌های زیادی را برده‌اند، اما همین که به عرصه زیست سیاسی و اجتماعی رسیده‌اند عیار حقیقی آنها روشن شده و پرده از ماهیت‌شان افتاده و به رسواترین شکل ممکن بی‌آبرو شده‌اند. منازعه ۷۵ ساله فلسطین و قضایای امروز غزه مصداق تمام‌عیار این مدعاست.

دنیایی که تا دیروز بر هشت دهه قتل و جنایت و ویرانگری رژیم کودک‌کش لب فروبسته و دم برنیاورده بود، مرثیه‌خوان تروریست‌هایی شده که حتی به قوانین و هشدارهای مجامعی که تمام‌قد در حمایت از آنها ایستاده‌اند وقعی ننهاده و ظلم و جنایت را در حق فلسطینی‌ها به منتها رسانده و حال در برابر «واکنش» این ملت به ستوه‌آمده چنین هیاهوی سرسام‌آوری به راه انداخته تا سرپوشی باشد بر جنایات جنون‌آمیز جلادان صهیونیست در تمام این سال‌ها، خصوصا نسل‌کشی وحشیانه‌ای که این روزها در غزه به راه انداخته‌اند.

«حقوق بشر»ی که اعلامیه‌هایش را چپ و راست به رخ هر نظامی کشیده‌اند که به تبعیت از معیارهای اردوگاه غرب تن نداده، خفقان گرفته است در برابر ددمنشی‌های لجام‌گسیخته سفاکان صهیونیست.

تروریست‌های کودک‌کش فقط در یک فقره جنایت با بمباران بیمارستان المعمدانی صدها زن و کودک و بیمار و مجروح غیرنظامی را به خاک و خون کشیدند، اما نه تنها جز اظهار تاسفی خفیف، آن هم بدون اشاره به مسببان این جنایت از نهادهای رسمی و دولت‌های غربی صدایی برنخاست و نه تنها قطعنامه‌های پیشنهاد آتش‌بس وتو شد، بلکه این دولت‌ها وقیحانه به حمایت حقوقی و تسلیحاتی از جنایتکاران قدعلم کردند.

آزادی عقیده و بیانی که حتی برای جسارت و بدتر اهانت به مقدسات ادیان - از کتب آسمانی گرفته تا پیامبران الهی - حق قائل بوده و به تظاهرات دگرباشان مجوز داده و هیچ آموزه مقدسی را مصون از نقد و اعتراض نمی‌داند، به ماجرای فلسطین و اسرائیل که می‌رسد «خط قرمز» پیدا می‌کند و تاب نمی‌آورد که حتی در ساحت تفکر افسانه‌های ساختگی برای توجیه فلسفه شکل‌گیری رژیم جعلی ذره‌ای زیر سوال رود و کمترین خدشه‌ای به آن وارد شود. درست همین روزهایی که اسرائیل وحشیگری و قساوت را در غزه به نهایت رسانده، در فرانسه- مهد ادعایی دموکراسی و آزادی- تظاهرات علیه جنایات رژیم غاصب و در حمایت از ملت مظلوم فلسطین ممنوع شده و با تظاهرات‌کنندگان با شدت برخورد شده و بازداشت می‌شوند.

در شرایطی که همجنس‌گرایان بی‌هیچ مانع و مزاحمتی در سراسر اروپا اجازه حمل پرچم و ابراز وجود دارند، اهتزاز پرچم فلسطین در انگلیس جرم‌انگاری و برای آن مجازات تعیین می‌شود.

اتحادیه اروپا به شبکه‌های اجتماعی نسبت به انتشار آنچه «اطلاعات نادرست» خوانده هشدار داده و متعاقب این هشدار این شبکه‌ها انتشار محتواهایی با مضمون افشای جنایات اسرائیل را به شدت محدود می‌کنند. «کریم بنزما» ستاره سرشناس فوتبال به دلیل حمایت از فلسطین و محکومیت جنایات اسرائیل تهدید به سلب تابعیت و پس گرفتن توپ طلا می‌شود.

در جای جای غرب مدرن افراد متعددی به جرم حمایت از مردم غزه از کار برکنار شده‌اند؛ از اخراج شش مجری بی‌بی‌سی عربی به دلیل انتشار و لایک پست‌های انتقادی علیه اسرائیل و حمایت از حماس گرفته، تا برخورد با یک نماینده پارلمان فرانسه به دلیل امتناع از «تروریست» خواندن حماس، تا اخراج خلبان کانادایی به دلیل انتشار پست‌هایی علیه اسرائیل، تا قطع همکاری فلان مجله با بهمان بازیگر به دلیل حمایت از حماس و...

این سیاهه را می‌توان تا فردا ادامه داد و دید که چگونه آن شعارهای ظاهرفریب از آزمون فاجعه فلسطین و وقایع امروز غزه سرافکنده بیرون آمده و تخطئه و بی‌اعتبار می‌شود. این سیاهه را می‌توان تا فردا ادامه داد و دید که این ادعاها مادامی معتبرند که اهداف، اصول، آرمان‌ها و انگاره‌های اساسی غرب را به چالش نگیرند، اما همین که با منافع و اصول غرب کمترین اصطکاکی پیدا کنند، به‌راحتی زیر پاگذاشته و نادیده گرفته می‌شوند. اینجا عیار حقیقی آنها معلوم و محرز می‌شود این ادعاها با همه زیبایی و فریبندگی درواقع چیزی جز قطعات پازل ابزارهای غرب در راستای تحقق اهداف او نیست؛ پازلی که قطعات آن به اقتضای زمان و شرایط گاه به تنهایی و گاه در منظومه‌ای از اهرم‌های دیگر به خدمت گرفته می‌شوند تا منافع غرب را به‌نحو حداکثری و در راستای استیلابخشی به اصول و انگاره‌های او محقق سازند، با هر وسیله‌ای که امکان داشته باشد؛ حمله نظامی باشد یا تحریم اقتصادی، جنگ رسانه‌ای باشد یا فشارهای دیپلماتیک.

در این میان اما آنچه امروز در غزه می‌گذرد سهم بسزایی در اعتبارزدایی از همه این ادعاهای پرطمطراق دارد؛ این وقایع تایید دوباره‌ای بر این اصل ثابت سیاست غرب است که همه شعارهای جذاب و ظاهرفریب آن تا جایی مجال عرض اندام دارند که در چهارچوب تامین منافع غرب نقش‌آفرینی کنند. اهداف آنها سال‌هاست که همه وسیله‌ها را توجیه می‌کند، و هیچ اصل ثابت انسانی بر کنش آنها تاثیرگذار نیست. دوگانگی فاحشی که لازم است مورد توجه شیفتگان غرب خصوصا بسیاری از علوم انسانی خوانده‌ها واقع شود و آنان را به بازنگری در آرمان‌هایی که بدان دل باخته‌اند وادارد، البته اگر خودشان را به خواب نزده باشند!

صهیونیست‌ها چگونه بازی را باخته‌اند؟

یادداشت

روح‌الله قاسمیان
عضو هیات‌علمی دانشگاه

نخست‌وزیر رژیم اشغالگر قدس روزهای سخت و طاقت‌فرسایی را سپری می‌کند و تلاش وی برای روایتگری معکوس از آنچه در اراضی اشغالی می‌گذرد با شکست مواجه شده است. طی روزهای اخیر بسیاری از تحلیلگران و استراتژیست‌های صهیونیست، نقش وی را در غافلگیری تاریخی تل‌آویو پررنگ و غیرقابل انکار قلمداد کرده‌اند. نشریه هاآرتص، پیش‌فرض‌های نادرست ذهنی و امنیتی نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی را عامل اصلی محاسبات پرریسک و جبران‌ناپذیر وی در قبال نوار غزه و کرانه باختری دانسته است.

سامی کوهن، مدیر تحقیق در مرکز تحقیقات بین‌المللی مدرسه عالی علوم سیاسی پاریس در مطلبی در روزنامه لوموند شکست اطلاعاتی و میدانی سنگین صهیونیست‌ها در مواجهه با حماس را انعکاس شکست راهبردی تل‌آویو دانسته که مسبب اصلی آن کسی جز شخص بنیامین نتانیاهو و البته انتخاب‌های سیاسی او نیست. اکنون، نتانیاهو از یک سو تلاش می‌کند با اتکا به رسانه‌های غربی و شبکه‌های تبلیغاتی گسترده‌ای که در اختیار صهیونیست‌هاست، توصیف نامتوازن و دروغینی از صحنه نبرد ارائه دهد اما چینش دو پیش‌فرض ثابت در سطح منطقه‌ای و جهانی، بازی تبلیغاتی نتانیاهو و همراهانش را با بحران مواجه کرده است؛ نخست اینکه حتی محافل امنیتی رژیم اشغالگر قدس نیز نسبت به شکست عملیاتی، اطلاعاتی و میدانی تل‌آویو در عملیات طوفان الاقصی اذعان کرده‌اند. دوم اینکه با توجه به جنایات مکرر رژیم صهیونیستی علیه ساکنان غزه و سوءسابقه آنها در یهودی‌سازی قدس و شهرک‌سازی‌های غیرقانونی، مظلوم‌نمایی صهیونیست‌ها راه‌به‌جایی نمی‌برد. تجمیع این دو مولفه، آینده تاریک و رو به زوالی را برای تل‌آویو رقم زده است. در این معادله، دیگر نمی‌توان از ظهور و بروز احزاب و جریانات سیاسی در اراضی اشغالی (به مثابه راه‌حل صهیونیست‌ها برای گذار از بحران) سخن گفت زیرا جنس بحران‌های ایجادشده در رژیم صهیونیستی، کاملا زیربنایی و معطوف به اضمحلال بنیان‌ها و ثوابت راهبردی در این رژیم نامشروع تلقی می‌گردد. به عبارت بهتر، ما با بحرانی روبنایی یا سیاسی در اراضی اشغالی یا زورآزمایی دو حزب یا جریان خاص در تل‌آویو مواجه نیستیم، بلکه با مجادله‌ای روبه‌رو هستیم که موجودیت و مناسبات کلان قدرت در رژیم صهیونیستی را به چالش کشیده است. تنفس مصنوعی لابی‌های سیاسی و رسانه‌ای غرب به کابینه چندتکه نتانیاهو یا حتی مخالفان وی (افرادی مانند گانتز و لیبرمن) نیز نمی‌تواند منجر به نجات نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی و دیگر سیاستمداران این رژیم منحوس شود. شکست مطلق، تنها گزاره‌ای است که مصادیق آن ظهور و بروز کاملی در اراضی اشغالی پیدا کرده و در آینده نیز شاهد تکثیر و تکرار این نمادها خواهیم بود.

انا لله و انا الیه راجعون

رحلت تاسف‌انگیز عالم ربانی و عالیقدر، **حضرت آیت‌الله محمدحسن فاضل‌گلپایگانی (زالی)** نماینده مردم شریف تهران در مجلس خبرگان رهبری که عمر با برکت خویش را همواره در راه اعتلای ارزش‌های متعالی اسلام و آموزه‌های بلند شیعی مصروف داشتند، موجب تاثر و تالم فراوان گردید.

این ضایعه تاسف‌انگیز را به محضر امام‌زمان(عج)، رهبر معظم انقلاب (مدظله‌العالی)، حوزه‌های علمیه و ملت بزرگ ایران، بیت معظم و شاگردان و ارادتمندان ایشان تسلیت عرض نموده، علو درجات و غفران و رحمت الهی از درگاه خداوند متعال و صبر و اجر برای بازماندگان مسالت می‌نمایم.

علی‌اکبر ولایتی